

# تحلیلی بر نقش احزاب در مشارکت سیاسی مقایسه تطبیقی ایران و ترکیه

فرزاد الماسی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

علی محمد حقیقی<sup>۱</sup>

استادیار علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

غفار زارعی

استادیار علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰

## چکیده

در حال حاضر احزاب سیاسی به عنوان یکی از نهادهای جامعه مدنی نقش بسیار مهمی در نظام‌های سیاسی جهان دارند. نقش گسترده احزاب در شکل دهی به دموکراسی بسیار مؤثر بوده و فعالیت آنها موجب افزایش مشارکت سیاسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های دموکراسی و توسعه سیاسی می‌شود. امروز مشارکت سیاسی به عنوان نمودی از تحقق آرمان برابری انسان‌ها در حقوق طبیعی و مدنی، در تمام جوامع و دیدگاه‌های سیاسی - اجتماعی مطرح و به صورت یک ارزش سیاسی محوری درآورده است. در این مقاله به بررسی تطبیقی نقش احزاب در مشارکت سیاسی در ایران و ترکیه می‌پردازیم. در این راستا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که نقش احزاب در مشارکت سیاسی در ایران و ترکیه چه تفاوتی دارد؟ مردم برای افزایش مشارکت سیاسی و انتخاباتی نیاز به انگیزه داشته و این انگیزه را نهادهای مدنی و از جمله احزاب می‌توانند فراهم کنند. بنابراین وجود احزاب، علاوه بر افزایش مشارکت سیاسی مردم موجب می‌شود که مشارکت سیاسی نظاممند و قانونمند صورت گیرد امری که در ترکیه نسبت به ایران مورد توجه بیشتری بوده و همین امر نشان از نقش بیشتر احزاب ترکیه در مشارکت سیاسی نسبت به ایران دارد.

**کلیدواژگان: حزب، احزاب سیاسی، مشارکت سیاسی و انتخابات.**

<sup>۱</sup>. (نویسنده مسئول): Am\_haghighi@yahoo.com

## مقدمه

در جوامع اسلامی مشکلات بسیاری در تفویض و واگذاری قدرت به مردم و مشارکت سیاسی وجود دارد. بستر و زمینه‌های شکل‌گیری این نهادها در پرتوی تحولاتی که در جوامع اروپایی شکل گرفت، آماده و تقویت شد و با گسترش مدرنیته در سراسر جهان، امواجی که در قرن ۱۹ گسترش پیدا کرد، این نهادها را هم نو کرد. در فرانسه، روسیه، آمریکا، بریتانیا فعالیت‌ها متناسب با تحولات در ساختار سیاسی، اقتصادی و البته اجتماعی-فرهنگی رخ می‌دهد و کارکردهایشان شکل می‌گیرد و گسترش پیدا می‌کند. بنابراین حزب سیاسی و نهاد انتخابات و مشارکت سیاسی پدیده‌ای وارداتی است.

امروزه احزاب یکی از ضروریات زندگی جوامع بشری در دوره مدرن محسوب می‌شود به طوری که یکی از مؤثرین نهادهای تأثیر گذار بر روندهای تصمیم‌گیری و اجرائی کشور و به عنوان حلقه رابط بین مردم و حاکمیت سیاسی عمل می‌کند. هم‌اندیشی در جوامع و نظام‌های سیاسی کنونی تقریباً اجماع کاملی نسبت به ضرورت تحزب وجود دارد و از احزاب به عنوان چرخ دنده ماشین دموکراسی یاد می‌شود. یکی از کارکردهای احزاب در نظام‌های سیاسی تقویت مشارکت مردم در فرایندهای سیاسی است. طبیعتاً احزاب در این فضا باید بتوانند این اقناع را برای افکار عمومی به ارمغان بیاورند که حضور و مشارکت آنها در عرصه انتخابات در آینده آنها تأثیرگذار است و به اصلاح روندهای غلط منجر می‌شود و کشور را به سمت و سویی بهتر هدایت می‌کند.

وجود احزاب سیاسی در جامعه یک نیاز ضروری و اساسی تلقی می‌گردد به طوری که هم دولت و هم جامعه نیاز به حزب دارد. علت اینکه جامعه نیاز به حزب دارد این است که امروزه خواسته‌های گروه‌ها و اقشار متفاوت شده است و درکشان از نیازهای طبقاتی شان افزایش پیدا کرده است برای اینکه بتوانند این نیاز طبقاتی‌شان را به سیستم سیاسی افزایش بدهند و چون تحصیلاتشان افزایش پیدا کرده و آگاهی آنها بیشتر شده به قالب تشکیلاتی که اسمش را حزب می‌گذاریم تبدیل می‌شوند. دولت نیز احساس می‌کند که بدون حزب قابلیت تداوم ندارد. دولتها نیاز به این دارند که با جامعه ارتباط داشته باشند یکی از این ارتباطات حزب است. لذا مشارکتها هم که در قالب حزب صورت می‌گیرد دموکراتیک تر خواهد بود. البته صرف وجود حزب کافی نیست باید موانع حزب برطرف شود آسیب شناسی جدی صورت پذیرد تا به یک نقطه ایده‌آل برسیم.

برخی معتقدند احزاب فقط برای کسب قدرت فعالیت می‌کنند و برای رسیدن به قدرت از همه مباحث عبور می‌کنند، قدرت جنبه محوری و اصلی پیدا می‌کند و بقیه موارد را تحت شعاع قرار می‌دهد. وقتی فضای اقتصادی و رقابتی وجود نداشته باشد نمی‌توان احزاب سیاسی فعال داشت چون نهاد دولت همه عوامل قدرت اقتصادی را در اختیار دارد و یک حوزه غیر قابل رقابت در اختیار خودش قرار داده است؛ مانند کشورهایی با اقتصاد نفت‌محور. احزاب سیاسی هم به عنوان نهادهایی جریان‌های متفاوتی از قدرت را نمایندگی می‌کنند.

نظر به صبغه طولانی احزاب در ایران و جایگاه ویژه انتخابات در نظام سیاسی جمهوری اسلامی، نمی‌توان تأثیرگذاری احزاب را در مشارکت سیاسی کشور کتمان کرد. اما احزاب، همواره با فراز و فرودهایی در ایران همراه بوده است. چنانکه به باور برخی فعالان سیاسی، فضای تحزب در ایران هنوز هم با واقعیت وجودی خود فاصله دارد. در ۲ دهه اخیر علاوه بر گشایش فعالیت احزاب، تنوع و تکثر حزبی نیز بیشتر و در برهه‌های حساسی همچون انتخابات، تأثیرگذاری آنها پررنگ تر شده است. در مواقعی نیز جبهه‌هایی همسو از احزاب سیاسی تشکیل

شده است که نمود آن در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و همچنین انتخابات نمایندگی مجلس دهم نمود خاصی داشت. (اکرمی، ۱۳۹۶: ۲).

ترکیه یک کشور چند حزبی است و در تاریخ معاصر این کشور، صدها حزب سیاسی سر برآورده‌اند که برخی از آنها به تاریخ پیوسته و حیات سیاسی آنها پایان یافته است و برخی نیز هنوز در حال فعالیت هستند. هر سال حزب‌های مختلفی تشکیل می‌شود و برخی از آنها نیز بنا به دلایل مختلف از سیاست کناره‌گیری می‌کنند. طبق ماده ۶۸ قانون اساسی ترکیه فعالیت احزاب سیاسی بخش تفکیک‌ناپذیر فعالیت سیاسی در کشور است

این مقاله در پی آن است که نقش احزاب را در ایجاد مشارکت سیاسی در ایران و ترکیه مورد بررسی قرار دهد و سپس پیشنهادهایی برای ایجاد و تقویت تحزب‌گرایی و نهادینه شدن مشارکت سیاسی و رأی‌دهی جامعه به صورت منطقی ارائه کند. روش تحقیق و تحلیل در این پژوهش توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی است.

### ادبیات نظری

حزب متشکل از مجموعه افرادیست که بر مبنای اساسنامه و مرامنامه‌ای ملی و کلان‌نگر تشکیل شده و به دنبال دستیابی به قدرت سیاسی و حفظ قدرت مذکور از طریق ساز و کارهای انتخاباتی می‌باشند. شکل‌گیری احزاب معمولاً معلول وقایع سیاسی و واقعیتهای بیرونی همچون انتخابات، انقلابها و اعتراضات و موضوعاتی از این دست است. به عنوان نمونه در اکثر موارد شکل‌گیری حزب به این صورت است که طرفداران یک نامزد انتخاباتی دور هم جمع شده و ستادهای انتخاباتی فرد را فعال می‌نمایند و این ستادها در فرآیند ذکر شده یعنی تصویب اساسنامه و برنامه ریزی برای کسب قدرت تبدیل به یک حزب می‌شوند. فلذا ریشه تشکیل احزاب رابطه تنگاتنگی با نظام‌های انتخاباتی دارد.

احزاب سیاسی علیرغم اشتراک لفظی بامفهوم قدیمی (حزب) ازجمله پدیده‌های نوین مربوط به تحولات بعد ازرنسانس وعصر روشنگری اروپا به شمار می‌روند. احزاب سیاسی کارکردهای زیادی ازجمله انتقاد ازحکومت، انتقال مطالبات مردم وافکار عمومی به دولت، کارکردآموزشی وتریبیتی و... دارند و ازاین رو چرخ دنده‌ی دموکراسی لقب گرفته‌اند(صابری خورگود رحمت الهی، ۱۳۹۳: ۱).

احزاب سیاسی به عنوان یکی از نهادهای جامعه مدنی نقش بسیار مهمی در نظام‌های مدرن ایفا می‌کنند و در شکل‌دهی به دموکراسی جوامع بسیار موثر می‌باشند احزاب سیاسی محصول پیشرفت وتکامل جوامع بشری هستند، هر پدیده اجتماعی برای نهادینه شدن نیازمند سازماندهی است، دراین مورد سازماندهی و نهادینه کردن مشارکت سیاسی زیر پوشش احزاب سیاسی قرار میگیرد(عبایی، ۱۳۹۵: ۱).

کارکردگرایان توجه خاصی به عملکرد احزاب سیاسی در جامعه به ویژه نقش آنها در ارتباط با نظام سیاسی دارند. از این دیدگاه برای احزاب، کارکردهایی تعریف گردیده است که احزاب سیاسی در صورتی شایسته‌ی عنوان حزب میگردند که این کارکردها و نقشهای ویژه و از پیش تعیین شده را در جامعه ایفا نمایند. (ایوبی، ۱۳۷۹: ۵۶). آنها با در

نظر گرفتن مفهوم خاص‌کارکرد عموماً سه نقش را برای احزاب قائلند که از جمله‌ی آنها میتوان به شکل دادن افکار عمومی، انتخاب نامزدهای انتخابی و سازمان دهی و جهت دهی رأی دهندگان اشاره کرد. (Epstein, 1988: 6).

بر این اساس تعریفی که کارکردگرایان از حزب ارائه میکنند مبتنی بر کارویژه‌های احزاب است. به عنوان نمونه، هستی حزب را پدیده‌های میداندن که در جامعه به دنبال انتخاب کارگزاران دولت، تعیین خط مشی دولت و دوره‌ی تصدی بر مقامات دولتی و ... میباشد (محمدی نژاد، ۱۳۵۵: ۴۰). «احزاب سیاسی از جمله نهادهای مهمی است که در نظام‌های دموکراسی خروجی مشارکت سیاسی را بهتر و بیشتر عیان می‌سازد و مشارکت کنندگان را به عنوان شهروندان مسئول و آگاه و نه توده‌های منفعل می‌شناساند» (شجاعی، ۱۳۹۲: ۱).

مشارکت سیاسی یکی از شروط لازم برای دموکراسی است (بارت و زانی ۲۰۱۵؛ نوریس ۲۰۰۲؛ وربا، شولزمن و برادی اچ ۱۹۹۵). منظور از مشارکت سیاسی، طیفی از رفتارهایی است که هدفشان تأثیرگذاری بر «نهادهای سیاسی، فرآیندها و تصمیم‌گیری در سطح محلی، منطقه‌ای، ملی یا فراملی» است (بارت و زانی، ۲۰۱۵، ۴). مشارکت سیاسی طیفی از فعالیت‌هایی را ترسیم می‌کند که هدف آنها تأثیرگذاری اجتماعی-سیاسی از طریق فرآیندهای سنتی انتخاباتی مانند رأی‌گیری است (بارت و اسمیت ۲۰۱۴؛ وربا و نی ۱۹۷۲).

اگرچه احزاب سیاسی تنها اشکال سازماندهی در یک سیستم دموکراتیک نیستند، همانطور که حقوقدان فقید فرانسوی ژرژ بوردو مدتها پیش بیان کرد، احزاب سیاسی مؤثرترین ارگانهای اراده مردم را تشکیل می‌دهند. با این ویژگی‌ها، احزاب سیاسی نهادهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی را در اولویت قرار می‌دهند. و دموکراسی مدرن بدون احزاب سیاسی غیرقابل تصور است. از این نظر، احزاب سیاسی هم دموکراسی را حفظ می‌کنند و هم وجود خود را مدیون نظام‌های دموکراتیک هستند. به همین دلیل، نظام‌های دموکراتیک موظفند هم زمینه قانونی و هم زمینه سیاسی لازم را برای احزاب سیاسی برای نمایندگی مردم فراهم کنند. از سوی دیگر، احزاب سیاسی نباید به این پایگاهی که وجود خود را مدیون آن هستند لطمه بزنند و آن را تنها ابزاری برای پاسخگویی به خواسته‌های طرفداران خود بدانند. احزاب باید ذهنیت دموکراتیک و رفتاری دموکراتیک داشته باشند تا سیستم واقعی را به الزامات دموکراسی - به ویژه مشارکت سیاسی - به عنوان یک ضرورت برای وجود یک دموکراسی قوی مجهز کنند. در این زمینه، احزاب سیاسی، قبل از هر چیز، مردم را برای الحاق به دولت متحد می‌کنند و در عین حال، باید به ابزارهای قانونی و مشروع متوسل شوند. چنین ویژگی احزاب سیاسی، در عین حال، رقابت، یعنی انتخابات و مشارکت سیاسی را تشویق می‌کند (Hoffman, 2005: 44).

پیوستن احزاب سیاسی به انتخابات یک قانون اساسی است، اگرچه برخی از آنها از شرکت در انتخابات امتناع می‌ورزند، زیرا معتقدند که انجام این کار به رژیم‌ها مشروعیت می‌بخشد (مانند حزب کمونیست ایرلند)، یا صرفاً معتقدند که انتخابات برگزار نمی‌شود. پاداش برای اهداف بلند مدت از این رو، برای مشروعیت بخشیدن به احزاب سیاسی حاکم بر کشور، انتخابات و مشارکت سیاسی به همان اندازه برای سازوکارهای سیاسی ضروری است که احزاب سیاسی برای دموکراسی.

از آنجایی که احزاب سیاسی از قرن نوزدهم تا دهه ۱۹۵۰ در صحنه سیاسی جهان غرب قرار گرفتند، مشمول هیچ مقررات قانونی نبودند. با این حال، در طول دوره منتهی به جنگ جهانی دوم، احزاب سیاسی در چارچوب قانون اساسی گنجانده شدند تا از ظهور مجدد دیکتاتوری‌های تک حزبی در ایتالیا و آلمان و فاشیسم جلوگیری کنند. در

واقع، احزاب سیاسی در ایتالیا (۱۹۴۷) و در آلمان (۱۹۴۹) در چارچوب قانون اساسی گنجانده شدند. بنابراین، آنها دیگر تهدیدی استبدادی برای رژیم‌های دموکراتیک محسوب نمی‌شوند. زمینه سازی برای تنظیم قانون اساسی نیز ضرورت تنظیم قانونی منابع مالی (درآمدها و هزینه‌ها) احزاب را مطرح کرده است. چنین مقرراتی در دهه ۱۹۷۰ معرفی شد. در آن دوره، «سیاست تأمین مالی» به دلیل فسادها و رسوایی‌های پولی در سیستم‌های سیاسی برخی کشورهای غربی از جمله بریتانیا، فرانسه، آلمان، آمریکا و ژاپن مورد توجه قرار گرفت و این امر مستلزم مقررات قانونی/قانونی بود (Hopkin, 2004: 6).

اینکه احزاب سیاسی در رقابت برای الحاق به دولت جنبه‌های اقتصادی اتخاذ کنند و خود را به عنوان یک نهاد اقتصادی، رای دهندگان خود را به عنوان مشتری و آرایی که به دست می‌آورند به عنوان سود در نظر بگیرند. بنابراین، آن‌ها توده‌ها را به مصرف‌کنندگانی تقلیل می‌دهند که برای آنها «کالای سیاسی» عرضه می‌کنند. بدون شک، مقررات قانونی/قانونی مورد بحث برای انضباط احزاب نیست، بلکه ایجاد برابری در یک فرآیند سیاسی و رقابت و نجات احزاب از اثرات عوامل مالی/پولی خارجی است. بنابراین، کمک به آنها برای دستیابی به خودمختاری از طریق حمایت مالی که توسط دولت/عمومی ارائه می‌شود، مهم است (Biezen, 2013).

#### منطقه‌شناسی پژوهش

#### ترکیه

ترکیه به عنوان کشوری عمدتاً مسلمان با اقتصاد سریعاً رو به رشد در آستانه نامزدی اتحادیه اروپا، کشوری است که در آن مناسبات فرهنگی اقتصادی و سیاسی عمده و مهمی در یکجا جمع شده است. این کشور با داشتن یک مجلس ملی منتخب مردم و یک فرآیند سیاسی که سطح خاصی از اختلاف عقیده را در خود پذیرفته و درونی کرده است، محل خوبی برای بررسی عملکرد بخشی از پویایی‌های فضایی و همگرایی مناسبات فوق‌الذکر از طریق پژوهش مشارکت سیاسی به شمار می‌آید. بنابه گفته پیترو تیلور (1990) از آنجایی که جغرافیای انتخاباتی از لحاظ تاریخی رویکرد عمده خود را بر روی «دموکراسیهای لیبرال اجتماعی» اروپا و آمریکای شمالی متمرکز کرده از آن به عنوان یک روش تحلیل پویایی سیاسی قسمت اعظمی از دنیا، کمتر استفاده شده است. ترکیه، به عنوان کشوری که در پیرامون این متن قرار گرفته است و به عنوان یکی از معدود کشورهای مسلمانی که انتخابات منظم برگزار میکند، فرصت خوبی را برای درک بهتر احتمالات متعدد موجود در انتخابات به منزله نقطه نظر تحلیلی در ارتباط با پویایی‌های داخلی ارائه می‌دهد (شکل شماره ۱) (Jefferson West, 2005: 500).

شکل ۱. مشارکت سیاسی در ترکیه



منبع: <https://per.euronews.com>

## ایران

تجربه اندک ایران در فعالیت‌های حزبی بعد از انقلاب مشروطیت، ضعف و وابستگی گروه‌های برگزیده سیاسی و وجود عوامل نیرومندی که سیر تاریخ سیاسی ایران را به سوی ساخت قدرت اقتدار سوق میداد، راه توسعه ایران را تغییر دادند. عوامل فوق و همین‌طور ضعف‌های ساختاری کشور، ناچاراً مجاری مشارکت و رقابت سیاسی را محدود کرده است. مجموعه این‌ها، موجب نهادزدایی از سیاست و گسترش روابط شخصی و غیررسمی شدن فرایندهای سیاسی نیز میگردد. تمامی این موارد باعث شده که موانع زیادی در مقابل توسعه سیاسی قرار بگیرد. انباشت قدرت سیاسی در ایران و تمرکز منابع اجبار در دست حکومت زمینه مناسبی بر اعاده سیاست غیررسمی مبتنی بر «دوره‌ها» و گروه‌های پنهان و غیر پنهان به وجود آورد. با این توضیحات شرایط در ایران برای جلب یا عدم جلب مشارکت سیاسی تا حدود زیادی متأثر از شرایطی است که در شکل ۲ نشان داده شده است. به عبارت دیگر عواملی که در سطوح اجتماعی و فردی بر مشارکت سیاسی در ایران تأثیرگذارند و زمینه‌وار آمدن آسیب‌هایی به مشارکت سیاسی را فراهم مینمایند، عبارتند از:

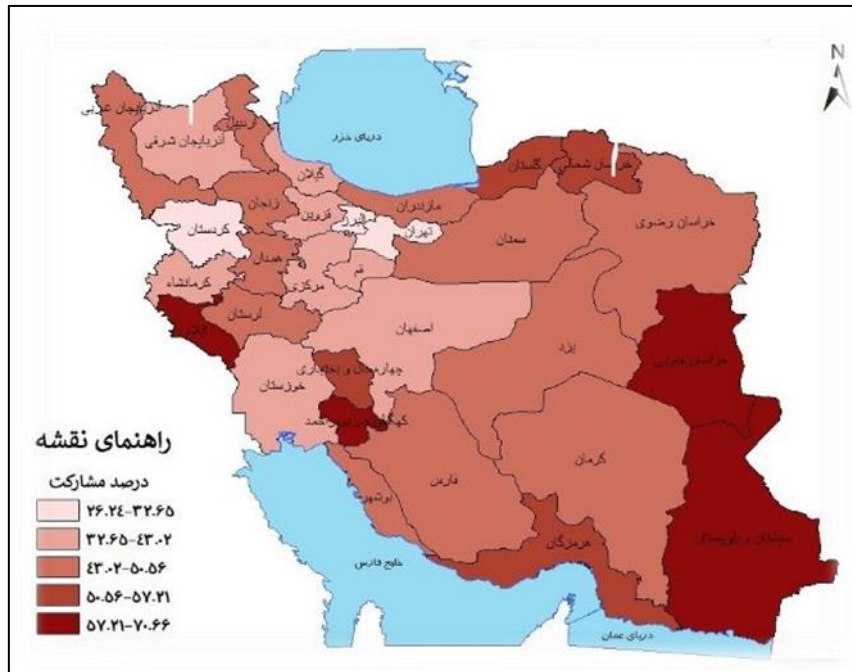
۱- احزاب و تشکل‌های سیاسی

۲- قوانین

۳- تحریکات اجتماعی (موضوعات قومی و مذهبی)

۴- شرایط اقتصادی

شکل ۲. مشارکت سیاسی در ایران



منبع: [www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir)

### یافته های تحقیق

#### نقش احزاب در مشارکت سیاسی در ایران

در نظام جمهوری اسلامی ایران شاهد پیدایش احزاب و گروه های سیاسی مختلف با آرمان ها و عقاید گوناگون بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بودیم لیکن با گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب هنوز احزاب سیاسی به معنای واقعی کلمه نهاده نشده اند و هیچ کدام از احزاب نتوانسته اند کار ویژه واقعی احزاب از جمله مشارکت سیاسی را داشته باشند اگر چه به کرات نام احزاب شنیده شده اما اکثریت قریب به اتفاق آنها فقط نام حزب را یدک کشیده اند. امروزه بسیاری از متفکران لازمه تبدیل مشارکت توده ای به مشارکت فعال و سازمان یافته را در تأسیس احزاب به معنای واقعی کلمه می دانند و آن را مرحله تکمیلی از مراحل انقلاب اسلامی به شمار می آورند به گونه ای که چنین امری در جهت تضمین تداوم و تعادل نظام ضروری است.

نظام جمهوری اسلامی ایران با دگرگونی سیاسی اجتماعی و فرهنگی در جامعه به رشد و گسترش نهادهای مردمی پرداخته و زمینه های مشارکت سیاسی مدنی را در فرآیند تصمیم گیری، سیاستگذاری و اداره جامعه فراهم نموده است و رهبران نظام نیز بر آن تأکید نموده اند. حقوق و آزادی های سیاسی اجتماعی ملت کانون همه مباحث در قانون اساسی است و مواردی نظیر حاکمیت انسان بر سرنوشت سیاسی اجتماعی خود، آزادی عقیده، بیان و مطبوعات، آزادی احزاب و انجمنها، انتخابات، نظارت از طریق دعوت به خیر و نهی از منکر، اداره و اعمال نظارت از طریق شوراهای مساوات و برابری در قانون، آموزش و پرورش، امنیت و عدالت به عنوان مکانیزهای مشارکت سیاسی بر شمرده شده اند. مشارکت انتخاباتی در ایران تقریباً نهاده شده است. برگزاری و حضور گسترده مردم در

صحنه‌های مختلف انتخاباتی مبین اعتقاد عمیق مردم و نظام به مشارکت سیاسی شهروندان می‌باشد. احزاب سیاسی و مطبوعات بدلائل مختلف به غیر از برخی دوره‌های زمانی آن هم به صورت محدود، نتوانسته‌اند نقش خود را در گسترش مشارکت سیاسی مردم ایفا نمایند (هدایتی زاده، ۱۳۷۸: ۱).

بنابراین از جمله شاخص‌های مشارکت بالای مردم در انتخابات طبعاً اعتماد و اعتقاد مردم به کارگزاران نظام است که نباید اجرای برخی سیاست‌های غلط و ناکارآمد به آن آسیب بزند. در سال‌های اخیر با توجه به شیوع کرونا و تحریم‌ها، وضعیت اقتصادی مردم به شدت آسیب دیده است و مردم خود را از جهت وضعیت معیشتی به شدت آسیب دیده می‌بینند. یکی از مؤلفه‌ها و در عین حال مهمترین مؤلفه برای تحقق مشارکت سیاسی بالاخص در انتخابات معنادار بودن انتخابات برای مردم است. بدین معنی که نتیجه انتخابات باید برای مردم معنادار باشد و مردم به این درجه از اطمینان برسند که سرنوشت خود را با دست خود رقم می‌زنند. و یا به عبارت دیگر مشارکت سیاسی آنان، می‌تواند در سرنوشت و زندگی آنان مؤثر قلمداد شود. مردم باید بدانند که شرکت یا شرکت نکردن در سیاست نتیجه همسانی برای آنها ندارد و مشارکت حداقلی در انتخابات پیش رو آسیب‌های زیادی را در بخش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به دنبال خواهد داشت. مؤلفه دیگری که می‌تواند باعث بالا رفتن مشارکت مردم در انتخابات شود آزادی انتخاب شونده‌گان و انتخاب کنندگان است یعنی باید زمینه حضور حداکثری داوطلبان در انتخابات فراهم کنیم.

اکنون که کشور در فرایند فراز و نشیب‌های نوسازی توسعه و بحران‌های آن قرار دارد تقاضای مشارکت سیاسی نیز رو به افزایش است و بدیهی است که شاخصه اصلی توسعه سیاسی به مشارکت سیاسی می‌باشد. مشارکتی خود باید برخوردار از ابزارهای کارآمد و سازمان‌های نهادمند باشد. نگاهی اجمالی به نظام سیاسی کشورمان بیانگر این نکته می‌باشد که احزاب به معنای حقیقی کلمه شکل نگرفته‌اند بلکه گروه‌های سیاسی به نام حزب در ایام خاصی فعالیت کرده و بعد از آن هیچ فعالیتی از آنها مشاهده نمی‌شود. حتی در انتخابات هم به صورت موقت رابطه دقیق و تعریف شده‌ای میان نمایندگان حزبی و خود حزب وجود ندارد بنابراین اگر آسیب‌ها و موانع تحزب برطرف شده و حزب به معنی صحیح کلمه شکل بگیرد تأثیر به‌سزائی در کاهش خطاهای انتخاباتی داشته و مسیر مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی را هموارتر خواهد نمود (زیباکلام و مقتدایی، ۱۳۹۳: ۵۶).

طبیعتاً احزاب تابع قوانین رسمی و اساسنامه‌ها و مرامنامه‌های مخصوص خود هستند و در چارچوب ساختارهای فکری و سیاسی که در آن شکل گرفته‌اند فعالیت خواهند کرد. نکته‌ای که در این میان حائز اهمیت است که ساختارهای سیاسی رسمی کشور اعم از سه قوه و بسیاری نهادها، احزاب را رقیب خود ندانند بلکه احزاب را شریک خود در تقویت هنجارهای سیاسی و اجتماعی بدانند. احزاب عاملی هستند که می‌توانند نظام را در ایجاد اتحاد ملی یاری کنند. احزاب در حقیقت سعی می‌کنند به کشور کمک کنند در وهله بعد به دنبال اهداف سیاسی خود هستند. در این میان احتمال دارد کمک احزاب از جنس آن چیزی که سیاستمداران دوست دارند و توقع دارند، نباشد. گاهی اوقات بعضی دستگاه‌ها و برخی افراد انتظار دارند که احزاب ابزاری برای رسیدن به اهدافشان باشند. کارکرد احزاب آن چیزی که برخی تصور می‌کنند، نیست. وجود احزاب به تکرر و سلابی مختلف جامعه سر و شکل می‌دهد و آن را سازمان‌دهی می‌کند. احزاب می‌توانند نظرات و گفتمان‌های مختلف را قانونمند کنند و آن را در یک چارچوب منظم ارائه دهند. متأسفانه احزاب در ایران با آن کارکرد اصلی خود فاصله زیادی دارند و مطلوب



یک فضای سیاسی پرشور و اشتیاق نیستند. علل زیادی برای عدم تحقق یک حزب ایده‌آل در ایران وجود دارد که شاید مهم‌ترین آنها قوانین باشند.

مسیر رو به پیشرفت است و هر روز احزاب متری می‌شوند و روند صعودی را طی می‌کنند و شاهد هستیم تاثیرگذار شده‌اند و در برخی انتخابات حرفی برای گفتن دارند. این توسعه احزاب به دلیل ارتقای آگاهی مردم و توسعه رسانه‌ها رقم خورده است. از سوی دیگر شکل گرفتن مطالبات مختلف جدید در میان مردم، آنها را با نسل‌های گذشته متفاوت کرده است و مشارکت‌پذیری را در آنها ارتقا داده است. خوشبختانه گفت‌وگو نیز در جامعه ما نهادینه شده است و احزاب محفل مناسبی برای این گفتمان‌ها است. احزاب نیز قصد دارند تا به مردم بگویند که به وسیله خرد جمعی و گفتمان می‌توان همزیستی مسالمت‌آمیز داشت و در امور به توافق رسید.

مکانیزم و ساز و کارهای مشارکت سیاسی و انتخابات به عنوان بارزترین نمود مشارکت سیاسی در ایران و ترکیه متفاوت بوده و در حالی که ایران کشوری ایدئولوژیک است ترکیه نگاه ایدئولوژیک به انتخابات ندارد. البته رگه‌های ناسیونالیسم ترک، سایه سنگین در انتخابات ترکیه دارد. چنانکه لیلا زنا نماینده کرد در یک دوره چون به نام ملت ترک قسم نمایندگی نخورد به ده سال زندان محکوم شد و در دوره جدید نیز چون به نام ملت ترکیه قسم خورده است از حقوق وکالت محروم شده و اردوغان نیز درخواست ملاقات وی در خصوص مذاکره در مورد مسأله کردها را رد کرده و گفته است زنا باید سوگند خود را اصلاح نماید. با وجود این باید گفت ایران و ترکیه دو کشور همسایه هستند و در بسیاری از عرصه‌ها شبیه هم می‌باشند اما نوع نظام‌های دو کشور متفاوت است. تفاوت‌ها سبب می‌گردد ما در مقام قیاس چندان آزادی عمل نداشته باشیم. ترکیه کشور احزاب است. در این کشور حضور احزاب تبلور مشارکت سیاسی است (ملکی، ۱۳۹۴: ۸).

احزاب در ایران از منظری پوشالی و از محتوا تهی می‌باشند. به عنوان مثال همانگونه که در ترکیه مثلاً فوتبال حرفه‌ای شده سیاست نیز حرفه‌ای شده است. احزاب در ترکیه، بازیگران حرفه‌ای صحنه سیاست هستند. احزاب بسترساز عبور و وابستگی ملت‌ها از افراد، به سیستم است. در واقع احزاب کاریزمای سیستمی را جایگزین کاریزمای رهبران می‌کنند. با توجه به ویژگی‌های قدرت مقامات و رهبران بعضاً دچار فساد و انحراف می‌شوند اما با توجه به اینکه احزاب محل بروز خرد و اراده جمعی است و دارای ساختاری سیستمی می‌باشند، میزان فساد و انحراف در آن کمتر می‌گردد.

ایران با این سطح از توسعه سیاسی فاصله دارد. در ایران رسانه‌ها تا حدودی نقش حزبی و جناحی دارند. در حالی که رسانه در ترکیه کمک احزاب هستند. لزوم پاسخگویی احزاب در نزد افکار عمومی و بطور مشخص در صندوق‌های رأی سبب شده عملکرد احزاب دقیق و همراه با عقلانیتی باشد که آنان را بتواند به اهداف خود برساند. رأی که مردم در صندوق رأی می‌دهند، فرهنگ پاداش و تنبیه را در عرصه سیاسی نهادینه کرده در حالی که در ایران عملکرد یک دولت بیشتر به نام یک یا چندین فرد ثبت می‌گردد. نظام سیاسی منتج از فرهنگ برخاسته از نظام حزبی تنها سیاست را نظام مند نکرده بلکه اقتصاد نیز دارای سیستم، نظم و ثبات شده است. شاید بتوان گفت یکی از مهمترین نقاط عطف نظام حزبی در ترکیه حرکت در مسیر تقدس‌زدایی از چهره‌های کایزما تیک و جایگزین نمودن

سیستم به جای افراد می‌باشد. سیستماتیک شدن نظام حزبی در ترکیه فرصت آن را ایجاد کرده که خردجمعی بر علایق و نظارت فردی فایق آمده و شرایط ترکیه را از منظر داخلی و خارجی در قیاس با نقاط پیرامونی شرایط بهتری بنماید. البته این سخن به معنای تأیید تمام و کمال سیستم حاکم بر ترکیه نبوده و نیست. ترکیه همچنان در احقاق حقوق کردها، علویان، سیاست خارجی و نوع تعاملات با برخی از کشورها، تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله دارد اما مسیر انتخابی، مسیر مشارکت سیاسی است که کانال عبوری آن از طریق احزاب می‌باشد (ملکی، ۱۳۹۴: ۱۰).

در حال حاضر مشارکت سیاسی شهروندان به طور منظم و فعال و مستمر نیست، احزاب در ایران بیشتر فصلی فعالیت می‌کنند، بعنوان مثال بیشتر احزاب چند ماه قبل از انتخابات فعال و بعد از پایان انتخابات دیگر خبری از فعالیت منسجم آنان نیست. بدون شک وجود چند حزب بزرگ و تأثیرگذار برآمده از متن مردم، سودمندتر از وجود چند صد حزب بدون پایگاه مردمی است که اکثراً در آستانه انتخابات ظاهر می‌شوند و بعد از آن خبری از آنها نیست، در واقع احزابی دولت ساخته هستند. اگر نگاهی به رویکرد شهروندان کشورمان در این باره داشته باشیم، در می‌یابیم که مشارکت سیاسی شهروندان به طور منظم و فعال و مستمر، تنها از طریق داشتن احزاب سیاسی قوی و سراسری میسر می‌شود. در این میان تغییر نگاه مردم ضروری است و این امر تنها با آموزش به وجود خواهد آمد. مردم باید بدانند نبود احزاب خلاتی را ایجاد می‌کند که در پس آن نمایندگان مجلس و دولت‌ها پس از انتخابات، عملاً می‌توانند از پاسخگویی به مردم به معنای واقعی آن شانه خالی کنند. عملکرد بد و ضعیف کاندیدای معرفی شده توسط یک حزب شناسنامه دار، باعث این می‌شود که مردم ضمن سؤال از حزب و مطالبه حقوق خود به واسطه رأیی که به کاندیدای حزب داده‌اند، امکان این را داشته باشند در انتخابات بعدی، حمایت خود از آن حزب را سلب کرده و به گزینه‌های پیشنهادی آن حزب رأی ندهند.

ب‌حسب احزاب در ایران از روند شکل‌گیری و ماهیت حزبی که در صحنه بین‌المللی مطرح است خارج شده، معمولاً هدف حزب آن است که از کف جامعه تشکیل و نخبگان خود را به رأس هرم می‌برند و مسئولیت‌ها را به همین نخبگان می‌سپارند و نظارت هم می‌کنند و در این میان اگر کج بروند خود همان کسانی که قدرت داده‌اند خود همان‌ها مطالبه‌گری می‌کنند. اما در جامعه ما اینگونه نیست. احزاب وقت انتخابات نمایان هستند و حرف می‌زنند و حمایت می‌کنند اما بعد از انتخابات دیگر حرفی ندارند و نهایت آن است اگر سهم خواهی خودشان را به دست آورند سکوت کرده و حتی اگر به سهم خواهی هم نرسند باز هم سکوت می‌کنند.

در اساس نظام ما که نظام ریاستی است و رئیس‌جمهور با رای مردم انتخاب می‌شود، قاعده‌تاً چندان احزاب سیاسی اثرگذاری ندارد مگر اینکه در مشارکت سیاسی مردم هنگام رای‌گیری اثرگذار باشند. اما در نظام پارلمانی قاعده‌تاً نخست‌وزیر باید توسط نمایندگان مجلس انتخاب شود و بعد اینکه در نظام پارلمانی احزاب هستند که با استراتژی‌های خودشان در داخل مجلس، عملاً نظام پارلمانی را شکل می‌دهند. اگر نظام، نظام حزبی است قاعده‌تاً احزاب بزرگ با یکدیگر رقابت می‌کنند و نظام سیاسی را شکل می‌دهند و اراده و ساختار سیاسی را شکل می‌دهند و در ساختار قدرت آن نیز حرف اول و آخر را احزاب می‌زنند مثل بسیاری از کشورهایی که در بلوک شرق و غرب به این شکل هستند. در نظام ما مجلس در راس امور است، نظام حزبی است چون احزاب آزاد هستند و بعد نظام ولایتی در قانون اساسی مشخص شده است، بلا تکلیفی در ساختار حکمرانی ما باعث می‌شود که احزاب نقش

اساسی خودشان را نداشته باشند اما اگر به سمت تغییر در ساختار نظام و به سمت نظام پارلمانی برویم، می‌توانیم بگوییم که آن موقع احزاب هستند که موثر خواهند بود و در ساختار حاکمیتی نیز اثرگذار هستند (کنعانی مقدم، ۱۴۰۰: ۲).

«مکانیزم‌هایی در قانون اساسی، برای حضور مردم در عرصه سیاسی پیش‌بینی گردید و بدیهی‌ترین این مکانیزم‌ها برگزاری دوره‌های مختلف انتخابات و شرکت مردم در آنها بوده است. اما شواهد گویای آن است که با حدود ۴ دهه از طلوع انقلابی که به باور عده زیادی در درون خود انقلابی دیگر برای توسعه سیاسی و رشد جامعه مدنی و افزایش مشارکت سیاسی در ایران استبداد زده داشت، هنوز مشارکت سیاسی به سطح قابل قبولی نرسیده است. وجود عوامل مختلفی در سطح جامعه و احزاب و قوانین سبب گردیده است که مردم با اعتماد و اطمینان ضعیف‌تری نسبت به احزاب و گروه‌ها فعالیت نمایند. بنابراین گروه‌های سیاسی بایستی برای جلب مشارکت مردمی و ایفای نقش بهینه در زمینه رشد آگاهی توده‌ها و افزایش مشارکت سیاسی آنها توان و همتی بیش از آنچه تا به امروز به کار بسته‌اند، خرج کنند تا فاصله میان مردم و خود را بردارند و این امر امکانپذیر نیست جز با تغییر و تحولاتی در زمینه‌های گوناگون از جمله در حوزه قوانین، جامعه و در نهایت عملکرد احزاب سیاسی» (شجاعی، ۱۳۹۲: ۱).

در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و همچنین انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، فعالیت سیاسی احزاب و جریان‌های سیاسی در کشور پررنگ‌تر شده است. به رغم پویایی احزاب در ایام انتخابات، اما برخی کارشناسان، ادعا می‌کنند که احزاب هنوز از جایگاه واقعی خود فاصله دارند. اگر چه کشور ما یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای خاورمیانه در امر تحزب بوده است اما با کمال تأسف هنوز یکی از عقب‌مانده‌ترین نظام‌های حزبی را در منطقه داریم و آنگونه که انتظار می‌رود احزاب در کشور ما فعال نیستند و جایگاه واقعی خود را در مشارکت سیاسی پیدا نکردند.

این‌گونه نیست که در جامعه ما احزاب سیاسی کاملاً بی‌تحرک و نقشی هم در نظام سیاسی و انتخابات نداشته باشند. اگرچه در ایران حزب به معنای واقعی آن وجود ندارد اما در کشور ما جریانات سیاسی خاصی تحت عنوان جناح‌های سیاسی فعالیت می‌کنند که این جناح‌ها در معنای واقعی خود، جبهه‌های سیاسی هستند. نقش جبهه‌های سیاسی یا جناح‌ها را نه در زمان انتخابات می‌توان منکر شد و نه پس از پیروزی در انتخابات. اگرچه فعالیت و تکاپوی سیاسی جناح‌ها در ایام انتخابات بیشتر می‌شود اما نمی‌توان واقعیت وجودی جناح‌ها را در ایران نادیده گرفت. جناح‌ها و جبهه‌های موجود در کشور ما بیشتر از آنکه عضو داشته باشند هوادار و طرفدار دارند. از این رو در انتخابات پیش‌رو، گرایش و هواداری مردم از جریان‌های سیاسی می‌تواند در مشارکت آنها تاثیرگذار باشد (اکرمی، ۱۳۹۶: ۲).

از سال ۷۶ به بعد می‌بینیم که اقبال مردم به جریان‌های سیاسی بیشتر حالت موجی و فصلی پیدا می‌کند. در سال ۷۶ آقای خاتمی داوطلب شد و با رای بالا در برابر آقای ناطق‌نوری پیروز شد و به ریاست جمهوری رسید. در سال ۸۴ انتخابات دو مرحله‌ای شد و بالاخره آقای احمدی‌نژاد که شهردار تهران بود، روی موج سوار شد و دو دور تا سال ۹۲ دولت را در دست گرفت. در اثر سیاست‌های خاص او و وضع کشور به کلی تغییر پیدا کرد. عملکرد منفی

احمدی نژاد اقبال مردم را از او و جریان حامی او رویگردان کرد تا جایی که در نهایت در سال ۱۳۹۲ آقای روحانی به پیروزی رسید. نبود تحزب در کشور ما آسیب‌های زیادی به کشور وارد می‌کند. تا زمانی که تشکل و تحزب واقعی در کشور ما شکل نگیرد و تشکل‌هایی نداشته باشیم که افراد را جمع کنند، ثبت نام کنند، به افراد آموزش دهند و از پایین به آنها مسوولیت بدهند، ما همچنان گرفتار این موج و فصلی شدن هستیم. اگر می‌خواهیم از آفات این مباحث که برخی از آنها تلخ و برخی شیرین است دور بمانیم، باید به سمت تحزب و تشکل پیش برویم. (اکرمی، ۱۳۹۶: ۳). مثالی در خصوص نقش احزاب در افزایش مشارکت سیاسی در ایران در مورد حزب جمهوری اسلامی است که وقتی شخصیتی مانند آقای هاشمی، آقای بهشتی و حتی خود آقای خامنه‌ای به صورت هفتگی کلاس داشتند، مهندسين می‌آمدند، پزشکان، تجار، کارگران، اصناف مختلف می‌آمدند و استفاده می‌کردند. اگر تشکل‌های اینچنینی با سازوکارهای حزبی تشکیل شود، داوطلب دارد و می‌تواند مردم را به خود جذب کند و بالتبع مشارکت سیاسی را افزایش دهد.

### نقش احزاب در مشارکت سیاسی در ترکیه

بند دوم اصل ۶۸ در قانون اساسی ۱۹۸۲ مقرر می‌دارد: «احزاب سیاسی از عناصر ضروری حیات سیاسی دموکراتیک هستند» و بند اول می‌گوید: «شهروندان حق دارند احزاب سیاسی تشکیل دهند و به نحو مقتضی به آنها بپیوندند و از آنها خارج شوند.» در قانون اساسی آمده است: «احزاب سیاسی بدون اجازه قبلی تشکیل می‌شوند و فعالیت خود را طبق احکام مندرج در قانون اساسی و قوانین انجام می‌دهند». بند سوم اصل ۶۸ حاکی از آن است که احزاب سیاسی مشمول چارچوب قانونی خواهند بود. اما همین قانون اساسی با محدودیت‌هایی (در بند ۴/۶ اصل ۱۳۶) دلالت بر این دارد که ماهیت «احزاب سیاسی از عناصر ضروری حیات سیاسی دموکراتیک هستند» مطلق نیست. به‌طور صحیح‌تر، قانون اساسی تفسیر «مطلق بودن» فوق‌الذکر را تنها به این معنا می‌دهد که وجود احزاب سیاسی باید بر تضمین وجود دموکراسی متمرکز باشد (Topak, 2010).

یکی از نهادهای اصلی دموکراسی که به نظر می‌رسد تا حدی در برابر تمام تأثیرات فرسایشی بر آن در سیاست ترکیه مقاومت کرده است، انتخابات بوده است. به نظر می‌رسد رای دهندگان تمایل زیادی به رای دادن دارند، حتی زمانی که معیارهای عادلانه انتخابات در چند سال اخیر آسیب دیده است. به نظر می‌رسد که شیوه‌های اقتدارگرایانه پوپولیستی دهه ۲۰۱۰ در ترکیه از اهمیت انتخابات رقابتی کاسته نشده است، در حالی که مشارکت رای‌دهندگان همچنان در بیشتر انتخابات بسیار بالا باقی مانده و بیش از ۸۰ درصد است که در میان کشورهای اروپایی، آمریکای شمالی و آسیای شرقی بی‌سابقه است. تحت تأثیر تغییر ساختار فرصت‌های سیاسی و افزایش منابع سیاسی، نه تنها میزان مشارکت در انتخابات، بلکه فعالیت‌های مربوط به مبارزات انتخاباتی، تماس‌های توده‌ای نخبگان و مشارکت در بحث‌ها برای حل مشکلات اجتماعی و اجتماعی نیز در چهار دهه گذشته در ترکیه افزایش یافته است (Kalaycıoğlu, 2020: 1).

احزاب سیاسی بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی در جمهوری ترکیه شکل گرفتند و فضایی از رقابت دموکراتیک علی‌رغم فضای تک‌حزبی در سال‌های نخست جمهوری بین این احزاب به وجود آمد (اطه‌ری و ولی زاده میدانی، ۱۳۹۸: ۲۹۷). وجود احزاب سیاسی متعدد در ترکیه گامی در مسیر دموکراسی در این کشور می‌باشد. گرچه هنوز برای ایجاد فرهنگ سیاسی دموکراتیک، بسط آزادی‌های مدنی، مشارکت سیاسی، کارایی حکومتی و فرایند پلورالیزم

هنوز ترک‌ها بایستی کار کنند. اگر چه حزب جمهوری خواه خلق به عنوان نخستین حزب در زمان آتاتورک تشکیل شد، اما توجه به حقوق شهروندی و برابری خواهی و نیاز به تدوین قانون اساسی، پیش از به قدرت رسیدن آتاتورک در ادبیات سیاسی ترکیه شکل گرفت. اما این کشور از دهه ۱۹۲۰ که شاهد شکل‌گیری نخستین حزب بود تا دهه ۱۹۵۰ به صورت تک‌حزبی اداره می‌شد. با گسترش شهرنشینی و تشویق مشارکت سیاسی احزاب بسیاری حضور در ترکیب قدرت را تجربه کردند. به گونه‌ای که به دلیل افزایش تقاضا برای مشارکت سیاسی اکنون بیش از ۲۰ حزب در ترکیه تشکیل شده است و مشارکت سیاسی توانی بیشتر یافته است.

وجود قوانین مشخص و نسبتاً باثبات در ساختار کلی نظام و سیستم دولتی ترکیه و مهمتر از آن وجود ایدئولوژی، آرمان و اهداف مشخص در درونمایه و اساسنامه‌های احزاب در جهت تحقق منافع ملی، از دلایل اصلی ثبات نسبی یا به عبارت بهتر نهادینه شدن نسبی احزاب در چارچوب دموکراتیزاسیون کشور ترکیه در ۱۰۰ سال اخیر بوده است (یوسفی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۶).

در جمهوری ترکیه با توجه به روند تحرب و گذارنظام‌های چندحزبی تحزب، سیستم خاص خود را دنبال می‌کند، قانون احزاب ترکیه در زمینه احزاب، مکانیزم‌های قوی را برعکس حقوق ایران پیش‌بینی نموده است. این نظام از نظر حقوقی کنترل‌های شدیدی را بر احزاب اعمال می‌دارد و یک نهاد قضائی مستقل را مسئول اعمال این کنترل‌ها می‌کند (صابری خورگو و رحمت‌الهی، ۱۳۹۳: ۱).

در چنین فضایی، احزاب سیاسی به دلیل نمایندگی طبقات مختلف اجتماعی، وجدان خصوصی جامعه تلقی می‌شوند و هر کدام از احزاب سعی می‌کنند، نمایندگی تفکرات بخشی از جامعه را بر عهده گیرند. برای مثال اکنون در ترکیه، حزب حرکت ملی در شمار احزاب اولترا ناسیونالیست‌ها قرار گرفته است؛ گروهی که مواضع خود را در مخالفت سرسختانه با کردها و پ. ک. ک نشان می‌دهند. یا حزب جمهوری خواه خلق که آقای قلیچ‌دار اوغلو ریاست آن را بر عهده دارد. حزبی که سرسختانه از جدایی دین از سیاست سخن می‌گویند و جدایی طلبی را خطر بزرگی می‌پندارند. آنان همچنین بر این عقیده‌اند که اعطای امتیاز خودمختاری فرهنگی به کردها خطرناک است. اما می‌بینیم که حزب جمهوری خواه خلق برای نخستین بار با پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات، در بخش آناتولی روستی پخش کردند تا نشان دهند مخالف حجاب نیستند. یا علوی‌ها که حزب جمهوری خواه خلق گرایش پیدا کرده‌اند؛ شاید به دلیل ترس از جنگ‌های مذهبی که میان ایران و عثمانی وجود داشت. با این وجود هنوز هیچ حزبی در ترکیه اجازه شکل‌گیری نیافته است که کردها را نمایندگی کند (اطهری، ۱۳۹۱: ۴).

احزاب در توسعه سیاسی ترکیه نقش مهمی دارند. تحزب که از محصولات مدرنیته است و بنیان دولت‌های مدنی در غرب را تشکیل می‌دهد و به میزانی از تحقق جامعه‌ی مدنی بستگی دارد و نمایندگی منافع و علائق گروه‌ها و طبقات متفاوت اجتماعی را به عهده دارد. در ترکیه نقش مؤثری در ثبات و پایداری دولت‌ها و نهادینه کردن مشارکت سیاسی ایفا کرده است. تحزب به طور نسبی به انسجام ملی کمک کرده و در بعضی مواقع کنترل خشونت از سوی آن‌ها مؤثر بوده است. به رغم این مسئله ارتش به دلیل ضعف احزاب سیاسی ۵ بار در فرایندهای سیاسی مداخله کرده است. همچنین احزاب متفاوت تاکنون توانسته‌اند انسجام و یکپارچگی جامعه ترکیه را به نمایش

بگذارند ولی هنوز مشکلاتی وجود دارد. مثلاً در مورد کردها از تشکیل برخی احزاب جلوگیری می‌شود و مشکلاتی نیز برای برخی از احزاب ایجاد شده است و تاکنون چندین حزب به خاطر وقوع کودتا منحل شده‌اند با این حال معدل ترکیه در خاورمیانه مناسب است. اگرچه احزاب هنوز برای ایجاد فرهنگ سیاسی دموکراتیک، بسط آزادی‌های مدنی، مشارکت سیاسی، کارایی حکومتی و فرایند پلورالیزم موثر هستند ولی هنوز ترک‌ها بایستی قدمهای باز هم بیشتری بردارند.

ترکیه کشوری در حال توسعه در کلیه شاخص‌ها بوده و میزان مشارکت مردم این کشور در آن، خود فرصتی برای ارزیابی استاندارد دموکراسی و نقش احزاب در ترکیه است. انتخابات نقش اساسی در صحنه سیاسی ترکیه داشته و ترک‌ها توانسته‌اند تابلوی قابل قبولی در زمینه مشارکت سیاسی و انتخابات در قیاس با کشورهای پیرامونی از خود ارایه دهند. انتخابات و مشارکت مردم مهمترین نقش را در زندگی مردم ترکیه دارد. انتخابات تعیین‌کننده چگونگی مشارکت سیاسی مردم ترکیه است. انتخابات در ترکیه محور تعیین سیاست‌های این کشور در عرصه داخلی و خارجی می‌باشد. در واقع انتخابات نمایش عینی حضور مردم در مشارکت سیاسی است.

سیستم نظارت انتخاباتی در ترکیه پیچیده نبوده و کمتر محل چالش است. سیستم نظارتی تعریف حقوقی روشن داشته و معمولاً سلیقه‌ای و یا خطی اعمال نظر نمی‌نماید. سیستم نظارتی در ترکیه ایدئولوژیک نیست. مهمترین خطوط قرمز در نظام انتخاباتی و مشارکت سیاسی ترکیه اعتقاد به تمامیت ارضی است. افراد عمدتاً از سوی احزاب کاندیدا می‌شوند. البته برخی از افراد که دارای مقبولیت بالا هستند نیز مستقل کاندیدا می‌شوند. شورای عالی انتخابات نیز ناظر بر انتخابات بوده و نتایج نیز آنلاین و الکترونیکی بوده و در ساعات اولیه پس از انتخابات نتایج آن اعلام می‌شود. در آزادی فضای انتخاباتی ترکیه شاید ذکر نکاتی چند مفید باشد. برای مثال زندانیان سیاسی می‌توانند از طریق احزاب کاندیدا شده و انتخاب شوند. رأی مردم ترکیه به زندانیان سیاسی و انتخاب آنان به عنوان نماینده مجلس، در حالی که آنان را از زندان به صحن مجلس می‌آورد، برای آنان مصونیت سیاسی نیز ایجاد می‌نماید. خطوط قرمز ترکیه در انتخابات پررنگ و پرحاشیه نیست. تفسیر انسانی و جناحی نداشته، بلکه مصادیق قانونی داشته و در چارچوب حقوقی تعریف روشن دارد. (ملکی، ۱۳۹۴: ۱۱).

در ترکیه تا چندی پیش نهادهای انتصابی خصوصاً نظامیان آن در راس هرم قدرت بوده و فضای مانور نهادهای انتخاباتی در آن با محدودیت مواجه بود. اما امروز در ترکیه میدان سیاست در تسلط سیاسیون است و نظامیان تحت فرمان آنان قرار دارند. البته در ورود نظامیان به سیاست هنگامی که لباس نظامی را از تن بیورند مشکلی وجود ندارد. نکته قابل تعمق آن است که ترکیه در دوره گذر و بازتعریف ساختارهای خود در شرایطی نظامیان خود را مطیع سیاسیون می‌نماید که در بعد داخلی و خارجی با تهدیدات امنیتی جدی مواجه است.

### نتیجه‌گیری

در ترکیه نقش احزاب محوری بوده و در واقع احزاب نقش دولت‌های جانشین را دارند. ترکیه دارای سیستم و نظام حزبی است. هر زمان بن بست سیاسی ایجاد شود راه خروج از آن برگزاری انتخابات و مشارکت سیاسی است. در ترکیه در هر زمان و دوره‌ای که بن بست سیاسی ایجاد شود با توجه به شرایط کشور می‌توان وارد انتخابات و مشارکت سیاسی مردم شد. با کمترین هزینه به یک حزب دوباره رأی داد و یا حزب دیگری را جانشین حزب قبلی کرد و همین امر یکی از دلایل مهم تاثیر و نقش مهم احزاب در مشارکت سیاسی است. اما در ایران حزب به معنای

واقعی نداریم. نداشتن حزب در ایران به معنای آن است که ما تجربه دولت مدرن مبتنی بر سازوکارهای دموکراسی را نداریم. ظهور احزاب یا جناح ها در ایران دوره ای بوده و آنها به هنگام انتخابات و مشارکت ظاهر شده و عنصر کمکی برای جناح های سیاسی می شوند و به همین دلیل نقش و تأثیر اندکی در مشارکت سیاسی دارند.

این موضوع که انتخابات ما حزبی نیست یکی از مسائلی است که موجب شده جایگاه احزاب در نظام سیاسی ما به درستی تعریف نشود. احزاب در ایران تلاش نمی کنند که به عنوان سازمان طبقاتی اقشار یا طبقات خاص عمل کنند. در حالی که در کشورهای پیشرفته، حزب؛ سازمان طبقاتی یک طبقه خاص اجتماعی - اقتصادی و بیانگر تمایلات سیاسی آن طبقه است. در ایران اما، احزاب نه به عنوان یک سازمان طبقاتی که پوپولیسم محور هستند و می خواهند نماینده همه اقشار باشند و از جانب همه حرف بزنند. در واقع احزاب در ایران کارکردهای واقعی خود را ندارند.

اگر ساختار بیمارگونه احزاب سیاسی بهبود یابد و آسیب ها و موانع برطرف گردد احزاب سیاسی با گرم نمودن فضای انتخابات از طریق تبلیغات، مناظره، گفت و گو به بحث کشیدن مسائل مهم و مشکلات جدی و ارائه راهکارها شهروندان بی تفاوت را تبدیل به شهروندانی مسئول و متحرک نموده و باعث مشارکت بیشتر مردم در انتخابات می شوند.

سیاست ورزی، حاصل کار جمعی بوده و از منظری حساسترین بخش زندگی بشری است. ما در ایران می توانیم نه تنها از تجربه ترکیه، بلکه از تجربه کشورهای دیگر هم استفاده نماییم. شاید تفاوت نظام و فرهنگ سیاسی ایران و ترکیه استفاده از تجربیات ترکیه را دشوار نشان دهد اما قرار نیست ما تقلید نماییم. ما مانند هر موضوعی بخش های قابل استفاده را گرفته و با فرهنگ بومی خود تلفیق کرده و در باز تعریف آن می توانیم برای احزاب نقشی قویتر از امروز در صحنه سیاست ایجاد بنماییم. ما به عنوان ایران، دیر یا زود باید به حضور احزاب در صحنه سیاست به عنوان یک عنصر تعیین کننده تن داده و توسعه متوازن در همه شاخص ها را سرلوحه اداره کشور بنماییم. ترکیه تا چندی پیش کشور کودتاها بود. نظامیان در راس هرم قدرت بوده و عرصه مانور سیاسیون بسیار محدود بود. اما امروز ترکیه با فراز و نشیب، اما با تداوم در راه توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی هم طراز توسعه اقتصادی گام برمی دارد.

در ایران اگر نمی شود بستری برای مخالفان و معارضین ساخت، نباید پل های ارتباطی را بگونه ای تخریب کرد که دایره قدرت، محدود به حضور بخش خاصی از ظرفیت های ملی گردد. سیاستمداران در صحنه سیاست و انتخابات همواره با تهدید و فرصت مواجه بوده و ضروری است که هنر آنان در شرایط سخت، تهدید را تبدیل به فرصت بنماید. در جمهوری اسلامی ایران چون سایر نظام های مردمی، سند قدرت، فقط به نام مردم زده می شود، زیرا بقول امام(ره) مردم ولی نعمت بوده و میزان رأی مردم است. مشارکت بالا و عمومی مردم در انتخابات با حضور همه نیروها می تواند برخوردهای حذفی را کم اثر کرده، ظرفیت ملی را بالا برده و قدرت و مشوعیت نظام را افزایش دهد. و این مشارکت بالا را می توان از طریق احزاب سیاسی تقویت کرد.

ایران و ترکیه در تاریخ معاصر متأثر از تجربیات و تحولات یکدیگر بوده اند. اگر در عرصه اقتصادی - صنعتی بسیاری از قابلیت های دو کشور می تواند در کشور دیگر مورد استفاده واقع شود، در عرصه مشارکت سیاسی نیز

می‌توان از تجربیات هم استفاده کرد. ما در حال حاضر در بسیاری از عرصه‌های سیاسی و بهداشتی از تجربیات یکدیگر استفاده می‌کنیم. استفاده از تجربه ترکیه در زمینه چگونگی حضور احزاب در صحنه سیاست و یا اعلام الکترونیکی نتایج در گام اول قابل حصول تر است. حضور احزاب و دادن نقش محوری به آنان در ایران را می‌توان منطبق با شرایط و قانون اساسی کشورمان، بومی و ملی کرد. اگر بخشی از جامعه روحانیت در روند سیاسی کشور توانست تحت عنوان روحانیون مبارز وارد صحنه سیاست شود، می‌تواند این حضور را در قالب حزب نیز به منصفه ظهور برسد.

## منابع

- اطهری، سیداسدالله و ولی زاده میدانی، رامین (۱۳۹۸)، تحلیل مبانی فکری رفتار حزب حرکت ملی ترکیه در قبال جمهوری اسلامی ایران. دوفصلنامه دانش سیاسی، دوره ۱۵، شماره ۲.
- اطهری، سیداسدالله (۱۳۹۱)، نقش احزاب در ترکیه. مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعاتی استراتژیک خاورمیانه.
- اکرمی، سیدرضا (۱۳۹۶)، مشارکت پرشور احزاب سیاسی در انتخابات، روزنامه دنیای اقتصاد.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۹)، پیدایی احزاب سیاسی در غرب، تهران، انتشارات سروش صدا و سیما، چاپ اول.
- زیباکلام، صادق و مرتضی مقتدایی (۱۳۹۳). احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران. فصلنامه علمی تخصصی علوم سیاسی، شماره ۲۹، زمستان.
- شجاعی، اعظم (۱۳۹۲)، آسیب‌شناسی نقش احزاب سیاسی در انتخابات جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد ارهنما: حسین مسعودنیا. دانشگاه اصفهان - دانشکده اقتصاد.
- صابری خورگو، حسین و رحمت الهی، دکتر حسین (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی نظام حقوقی احزاب سیاسی با رویکرد به کشورهای ایران و ترکیه، همایش ملی ایران و چالش‌های حقوقی بین‌المللی، مراغه.
- عبایی، محمود (۱۳۹۵)، نقش احزاب سیاسی در نهادینه کردن مشارکت سیاسی در جامعه به منظور کسب قدرت، نهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران.
- کنعانی مقدم، حسین (۱۴۰۰)، در ایران پدرخوانده‌ها به جای احزاب در پشت پرده تصمیمات هستند، خبرگزاری کار ایران.
- محمدی نژاد، حسین (۱۳۵۵)، احزاب سیاسی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.
- ملکی، صادق (۱۳۹۴)، تجربه نظام انتخاباتی ترکیه برای ایران، دیپلماسی ایرانی.
- هدایتی زاده، نجف (۱۳۷۸)، مشارکت سیاسی در ایران معاصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد ارهنما: حسین بشیریه، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- یوسفی، جعفر و صادقیان کمارعلیا، حسن و رضایی ملکی، ماریا (۱۳۹۳)، نگاهی به احزاب سیاسی در ترکیه، اولین کنفرانس ملی اقتصاد، مدیریت و فرهنگ ایرانی اسلامی، اردبیل.

Amanda Hoffman, "Political Parties, Electoral Systems and Democracy: A Cross-national Analysis," *European Journal of Political Research*, No. 44 (2005).

Ayşen Uysal and Oğuz Topak, *Particiler*, (İstanbul: İletişim Yayınları, 2010).

Barrett, M., and B. Zani. 2015. *Political and civic engagement. Multidisciplinary perspectives*. London: Routledge.

Barrett, M., and I. Brunton-Smith. 2014. Political and Civic Engagement and Participation: Integrative Perspective. *Journal of Civil Society* 10, no. 1: 5-28.



Epstein . c. d , (1988). political parties in the areerican model .University of wiscon press.

Ingrid van Biezen, “Financing Political Parties and Election Campaigns-Guideline,” *Council of European Publishing*, (December, 2003).

Jonathan Hopkin, “The Problem with Party Finance,” *Party Politics*, Vol. 10, No. 6 (2004).

Kalaycıoğlu, Ersin , (2020). The Evolution of Conventional Political Participation in Turkey. Oxfordhandbooks.

Norris, P. 2002. *Democratic phoenix: Reinventing political activism*. New York: Cambridge University Press.10.1017/CBO9780511610073.

Verba, S., and N.H. Nie. 1972. *Participation in America: Political democracy and social equality*. New York: Harper and Row.

Verba, S., K.L. Scholzman, and H. Brady. 1995. *Voice and equality: Civic voluntarism in American politics*. Cambridge, MA: Harvard University Press.